



## An Analysis of the Dimensions and Indicators of *Qiwāmah* (Guardianship) in the Family Based on Verse 34 of Sūrat al-Nisā'

Mansore Gholami<sup>a\*</sup>, Maliheh Vakili<sup>b</sup>

<sup>a</sup> Level Four Student, Hawzah 'Ilmīyah (Seminary), Hawzah 'Ilmīyah Khāharān, Arak, Iran

<sup>b</sup> Level Four Student, Hawzah 'Ilmīyah (Seminary), Hawzah 'Ilmīyah Khāharān, Arak, Iran

### KEYWORDS

*Qiwāmah* (Guardianship), Qur'ān 4:34, Family Management, *Mawaddah* (Affection) and *Rahmah* (Mercy), Indicators of Ideal *Qiwāmah*

Received: 04 December 2025;

Accepted: 07 April 2026

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/iij.2026.2079238.1066

### ABSTRACT

Verse 34 of Sūrat al-Nisā', recognized as one of the most important Qur'ānic sources on *qiwāmah* (guardianship) within the family, addresses the issue of male authority over the family and delineates its general framework. Complementary verses and ḥadīth further clarify the characteristics and indicators of a desirable form of *qiwāmah*. Given the significance of this issue and the challenges that arise in its interpretation and implementation in contemporary societies, the present study examines the indicators of ideal *qiwāmah* from the perspective of the Qur'ān and the ḥadīth, with special focus on the aforementioned verse. The principal research question asks: What features and indicators define an ideal form of *qiwāmah* within the Qur'ānic and ḥadīthic corpus, and how can the exercise of *qiwāmah* be prevented from becoming despotic or oppressive? The aim of the study is to elucidate the Qur'ānic and ḥadīthic frameworks of desirable *qiwāmah* and to propose criteria for its correct implementation to secure justice, affection, and the stability of the family institution. This research employs a descriptive-analytical methodology and relies on documentary and library sources. The findings indicate that *qiwāmah* within the family is not an absolute right but rather a responsibility that acquires meaning within the principles of Islam. The principal indicators of desirable *qiwāmah* include adherence to religious limits and obligations, avoidance of despotism and injustice, emphasis on justice, the establishment of emotional relationships founded on *mawaddah* (affection) and *rahmah* (mercy), and commitment to upright and socially recognized conduct (*al-ma'rūf*). The results further demonstrate that the primacy of ethics in the exercise of *qiwāmah* contributes to the elevation and strengthening of spousal relations and serves to prevent potential deviations and challenges.

\* Corresponding author.

E-mail address: gholami354@yahoo.com





## تحلیل ابعاد و شاخصه‌های قیومیت در خانواده بر اساس آیه ۳۴ سوره نساء

منصوره غلامی الف\*، ملیحه وکیلی ب

الف دانشجوی سطح چهارم حوزه علمیه اراک، اراک، ایران، gholami354@yahoo.com

ب دانشجوی سطح چهارم حوزه علمیه اراک، اراک، ایران، malihehvakili59@gmail.com

### چکیده

مدیریت و سرپرستی خانواده یکی از مباحث بنیادین در آموزه‌های اسلامی است که در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته است. آیه ۳۴ سوره نساء، به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع قرآنی در این زمینه، به مسئله قیومیت مرد بر خانواده پرداخته و چارچوب کلی آن را تبیین نموده است. از سوی دیگر، احادیث و سایر آیات مرتبط، ویژگی‌ها و شاخصه‌های قیومیت مطلوب را روشن ساخته‌اند. با توجه به اهمیت این موضوع و چالش‌هایی که در تفسیر و اجرای آن در جوامع معاصر وجود دارد، این پژوهش به بررسی شاخصه‌های قیومیت مطلوب از منظر قرآن و حدیث با محوریت آیه مذکور می‌پردازد. پرسش اصلی این تحقیق آن است که قیومیت مطلوب در خانواده از دیدگاه آیات و روایات چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی دارد و چگونه می‌توان از استبداد و ظلم در اجرای آن جلوگیری کرد؟ هدف از این پژوهش، تبیین چارچوب‌های قرآنی و روایی قیومیت مطلوب و ارائه معیارهایی برای اجرای صحیح آن در راستای تأمین عدالت، محبت و استحکام بنیان خانواده است. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قیومیت در خانواده نه یک حق مطلق، بلکه یک مسئولیت است که در چارچوب اصول اسلامی معنا می‌یابد. مهم‌ترین شاخصه‌های قیومیت مطلوب شامل رعایت حدود و الزامات دینی، پرهیز از استبداد و ظلم، تأکید بر عدالت، برقراری روابط عاطفی بر پایه مودت و رحمت، و پایبندی به رفتار شایسته و معروف است. همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حاکمیت اخلاق در اجرای قیومیت، سبب تعالی و استحکام روابط زوجین شده و از انحرافات و چالش‌های احتمالی جلوگیری می‌کند.

### واژگان کلیدی

قیومیت، قرآن  
کریم، مدیریت  
خانواده، نظام  
خانواده، سوره نساء

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۸

مقاله علمی پژوهشی

### ۱. مقدمه

مدیریت و سرپرستی خانواده از جمله موضوعات بنیادینی است که در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع هدایت بشری، به تنظیم روابط بین زوجین پرداخته و اصولی را برای ایجاد یک زندگی پایدار و عادلانه در نظر گرفته است. در این میان، آیه ۳۴ سوره نساء یکی از کلیدی‌ترین آیات در تعیین جایگاه مرد در خانواده و مسئولیت‌های او در قبال همسر و فرزندان است. بر اساس این آیه، مردان به دلیل ویژگی‌های خاصی که در پذیرش مسئولیت و تأمین معیشت خانواده دارند، به عنوان قوام و مدیر خانواده معرفی شده‌اند: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ». (نساء، ۳۴).

این آیه بر دو مبنای اساسی در قوامیت مردان تأکید دارد: نخست، توانایی‌ها و ویژگی‌های فردی مردان که آنان را در

پذیرش مسئولیت خانوادگی برجسته می‌سازد، و دوم، تعهد مالی که مردان در تأمین هزینه‌های زندگی بر عهده دارند. با این حال، مسئله قوامیت و سرپرستی مرد بر خانواده از دیرباز در تفاسیر و مطالعات اسلامی محل بحث و بررسی بوده است. برخی از برداشت‌های افراطی، این مسئولیت را به اقتدارگرایی و سلطه‌طلبی مردان تعبیر کرده‌اند؛ در حالی که آموزه‌های دینی، سرپرستی مرد را نه یک حق، بلکه یک تکلیف و مسئولیت معرفی می‌کنند که باید در چارچوب عدالت، مودت و رحمت صورت پذیرد. در این راستا، مفهوم قیومیت مطلوب مطرح می‌شود که در آن قوامیت مرد بر پایه معیارهای قرآنی و روایی، در راستای استحکام خانواده و تأمین مصالح همسر و فرزندان تفسیر می‌شود.

از این رو، بررسی شاخصه‌های قیومیت مطلوب و معیارهای تمایز آن از سلطه‌جویی و استبداد، امری ضروری است که می‌تواند هم در عرصه مطالعات دینی و تفسیری و هم در زمینه کاربردی و اجتماعی، نقش مهمی ایفا کند. پرسش اصلی که در این مقاله مطرح می‌شود، این است که: شاخصه‌های قیومیت مطلوب در خانواده از منظر آیات و روایات چیست و چگونه می‌توان آن را از قیومیت نامطلوب تفکیک کرد؟

این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و منابع اسلامی، به بررسی مبانی نظری قوامیت مطلوب پرداخته و معیارهای آن را استخراج می‌کند. در نهایت، نتایج این تحقیق می‌تواند به ارائه الگویی صحیح از مدیریت خانواده بر مبنای اصول اسلامی کمک کند و در اصلاح برخی برداشت‌های نادرست از مفهوم قوامیت مؤثر باشد.

در پیشینه این پژوهش باید به این نکته اشاره نمود که بحث قیومیت و قوامیت مرد در خانواده از جمله موضوعاتی است که از دیرباز مورد توجه مفسران، فقها و پژوهشگران حوزه مطالعات اسلامی و خانواده قرار گرفته است. این مفهوم که ریشه در آیه ۳۴ سوره نساء دارد، در بسیاری از پژوهش‌های تفسیری، فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، مطالعات انجام‌شده عمدتاً به کلیات قوامیت مرد و تفسیر آیه پرداخته و شاخصه‌های قیومیت مطلوب را به‌طور مستقل و تفصیلی مورد بررسی قرار نداده‌اند. در این بخش، پیشینه پژوهش در چهار محور اصلی شامل کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها بررسی شده و وجه امتیاز این مقاله نسبت به پژوهش‌های پیشین بررسی می‌شود.

در دو کتاب «رسالة بدیعه فی تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء» نوشته محمدحسین حسینی طهرانی و «تفسیر آیه مودت» نوشته علی حسینی میلانی به این مقوله پرداخته شده است.

علاوه بر این کتب، برخی از مقالات نیز به این عنوان پرداخته و آن را تبیین کرده‌اند؛ از جمله:

۱. «آیه الرجال قوامون علی النساء» در گذر تاریخ؛ مقایسه دیدگاه‌های تفسیری متقدم و متأخر با معاصر»، نوشته محمدعلی همتی و وفادار کشاورزی، نشریه قرآن‌پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)، بهار و تابستان، ۱۳۹۸ ش، شماره ۲۶.

۲. بررسی و تحلیل آیه شریفه «الرجال قوامون علی النساء»، سیفعلی زاهدی‌فر، مریم الهیاری‌نژاد و لیلا حامدی نسب، نشریه مطالعات تفسیری، بهار ۱۳۹۳ ش، شماره ۱۷.

۳. بررسی و نقد دیدگاه برتری مردان بر زنان با تکیه بر آیه «الرجال قوامون علی النساء»، ابراهیم رستمی، نشریه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، شماره ۳۰، آبان ۱۳۹۹ ش.

۴. بررسی آیه «الرجال قوامون علی النساء» با رویکرد به تفاسیر شیعی، عزت الله مولایی‌نیا، نشریه شیعه‌شناسی، بهار ۱۳۸۷ ش، شماره ۲۱.

۵. «مفهوم قوامیت در قرآن (نساء/ ۳۴): مرور انتقادی آراء مفسران»، علی اصغر شعاعی، نشریه پژوهش‌نامه نقد آرای

تفسیری، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ ش.

در این زمینه دو پایان نامه نیز به بررسی آیه ۳۴ سوره نساء پرداخته‌اند:

۱. پایان‌نامه «بررسی تفسیری «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» از نظر مفسران شیعه»، نوشته طاهره درودی، کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، سال ۱۳۹۴ ش.

۲. «بررسی و نقد دیدگاه‌های مفسران و صاحب‌نظران اسلامی در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ)، حامد مصطفوی‌فرد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، سال ۱۳۹۰ ش.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین عمدتاً به مفهوم قوامیت و دیدگاه‌های تفسیری و فقهی درباره آن پرداخته‌اند، اما شاخصه‌های قوامیت مطلوب را به طور مستقل و تفصیلی مورد بحث قرار نداده‌اند. در حالی که این پژوهش درصدد پرداختن به مباحث زیر است:

۱. شاخصه‌های قوامیت مطلوب را از منظر آیات و روایات تحلیل کند و بین قوامیت عادلانه و سلطه‌جویانه تمایز قائل شود.

۲. ابعاد اخلاقی، فقهی و اجتماعی قوامیت مطلوب را بررسی کند و از منابع معتبر شیعی بهره ببرد.

۳. به ارائه الگویی برای مدیریت خانواده بر اساس شاخصه‌های اسلامی بپردازد و از رویکرد توصیفی-تحلیلی برای استخراج ملاک‌های قوامیت استفاده کند.

بنابراین، پژوهش حاضر به دلیل تمرکز ویژه بر شاخصه‌های قوامیت مطلوب و استخراج معیارهای آن بر اساس آیات و روایات، گامی نو در تکمیل مباحث مربوط به مدیریت خانواده در اسلام خواهد بود.

## ۲. مفهوم‌شناسی قیومیت

قیومیت و قوامیت از جمله مفاهیمی است که در قرآن کریم و متون روایی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. این اصطلاح در آیه ۳۴ سوره نساء با عبارت «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» بیان شده و در تفاسیر گوناگون به ابعاد مختلف آن پرداخته شده است. بررسی دقیق مفهوم قیومیت، مستلزم مراجعه به منابع لغوی، تفسیری و فقهی است تا بتوان برداشت صحیحی از نقش و جایگاه مرد در خانواده ارائه کرد. در این بخش، نخست به بررسی ریشه لغوی واژه «قوام» پرداخته و سپس دیدگاه‌های مفسران در باب مفهوم قیومیت را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

### ۱.۲. معنای لغوی

واژه «قوام» صیغه مبالغه از ریشه ثلاثی مجرد «قَامَ، يَقُومُ، قِيَاماً» است که در لغت به معنای ایستادن، استوار بودن و پایداری آمده است. در زبان عربی، «قائم» به کسی گفته می‌شود که بر پای خود ایستاده باشد؛ اما «قَوَّام» به کسی اطلاق می‌شود که سرپرستی و مدیریت دیگران را بر عهده دارد. راغب اصفهانی می‌گوید: «قیام و قوام به معنای چیزی است که موجب استواری و پایداری یک چیز دیگر می‌شود، همانند ستون‌هایی که ساختمان بر آن استوار است. در آیه ۵ سوره نساء، اموال به عنوان عامل پایداری زندگی معرفی شده است» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲ ج ۱، ص ۴۸۴).

ابن منظور نیز معتقد است که قیام گاهی به معنای محافظت و اصلاح نیز می‌آید و در توضیح مفهوم «قوام» در آیه مورد بحث می‌نویسد: «وَقَدْ جِيَءَ الْقِيَامُ بِمَعْنَى الْحِفَاطِ وَالْإِصْلَاحِ، وَمِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ" وَ قَوْلُهُ

تَعَالَى: «مَا دُمْتُ عَلَيْهِ قَائِمًا: أَيْ مُلَازِمًا مُحَافِظًا»، (ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۱۸۵)؛  
طریحی در «مجمع البحرین» قیومیت را به سیاست‌گذاری و مدیریت امور تعبیر کرده است: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى  
النِّسَاءِ» أَيْ يَقُومُونَ عَلَيْهِنَّ قِيَامَ الْوَلَاةِ عَلَى الرَّعِيَّةِ، وَ قَوَّامُ الْأَمْرِ: نِظَامُهُ وَ عَامِدُهُ، (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۹۶)؛

## ۲.۲. معنای اصطلاحی و تفسیری

علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: کلمه قیم به معنای آن کسی است که مسئول قیام به امر شخصی  
دیگر است، و کلمه قوام و نیز قیام مبالغه در همین قیام است (طباطبایی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۴۳). بلاغی در تفسیر خود  
«قوام» را به معنای تدبیر و اصلاح امور دانسته و می‌گوید قوام به معنای کسی است که به تدبیر و اصلاح امور یک موضوع  
بپردازد (بلاغی، بی‌تا، ۸۵). آلوسی نیز می‌گوید کاربرد صیغه مبالغه قوام در این آیه، برای تأکید بر مسئولیت مستمر مرد  
در قیومیت خانواده به کار رفته است؛ در حقیقت، نشان‌دهنده استمرار مسئولیت مرد در هدایت، تربیت و اصلاح  
همسرش تا زمانی است که با او زندگی می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۳).  
فخر رازی نیز در التفسیر الکبیر می‌نویسد: «قَوَّام» نام کسی است که با جدیت به کاری می‌پردازد. وقتی گفته می‌شود  
این «قیَم» این زن است، مراد کسی است که به کار او می‌پردازد و به نگهداری او اهتمام می‌ورزد (فخر رازی، ۱۳۸۸، ج  
۱۰، ص ۸۸).

بررسی نظر مفسرانی که درباره ماهیت این واژه بحث کرده‌اند، نشان می‌دهد آنان مفهوم «قوام» را به معنای سرپرستی  
و تدبیر امور زن دانسته‌اند که این امر، برتری مرد در مسئولیت‌های خانوادگی را نشان می‌دهد. در حقیقت قوامیت به  
معنای «مدیریت و مسئولیت‌پذیری» است و با رویکرد حمایتی و تربیتی، ساختار خانواده را تقویت می‌کند.

## ۳. شاخصه‌های قیومیت مطلوب

### ۳.۱. رعایت حدود قیومیت و پرهیز از استبداد

در مورد مدیریت خانواده که از دیدگاه قرآن کریم بر عهده مرد نهاده شده است، نظرات گوناگونی مطرح شده است.  
برخی از برداشت‌های نادرست در این باره به شبهه استبداد مردانه و اطاعت بی‌چون و چرای زنانه منجر می‌شود؛ حال  
آنکه این نوع سلطه‌طلبی از منظر قرآن کریم توهمی بیش نیست و واقعیت آن را باید با نگاهی منصفانه به مستند قرآنی  
مربوطه دریافت.

قرآن کریم در آیه ۳۴ سوره نساء می‌فرماید:

«الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»، (نساء: ۳۴).

بر اساس معنایی که برای «قوام» ارائه شده است، هر آنچه که در حفظ تعادل شخصیت زن دخالت دارد، در دایره  
قوامیت می‌گنجد. مهم‌ترین این عوامل را می‌توان این‌گونه برشمرد:

### الف) ادای حقوق زن

ادای حقوق زن یکی از عوامل سلامت جسمی و روحی او به حساب می‌آید که بارزترین محور قوامیت را تشکیل  
می‌دهد. مرد به تناسب توانایی جسمی و آشنایی بیشتر با واقعیت‌های بیرونی باید نیازهای معیشتی و روحی زن را تأمین  
نماید، تا وی با فراغت خاطر بدون خستگی جسمی و روحی به انجام وظایف خود بپردازد.

به همین دلیل، قوامیت در آیه: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»، به فضایل موهبتی مرد و تأمین نفقه توسط او مستند شده است. این موقعیت به خاطر وجود خصوصیات در مرد است مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات (به عکس زن که از نیروی سرشار عواطف بیشتری بهره‌مند است) و دیگری داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده خود دفاع نماید. به علاوه تعهد او در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه‌های زندگی، و پرداخت مهر و تأمین زندگی آبرومندانه همسر و فرزند، این حق را به او می‌دهد که وظیفه سرپرستی به عهده او باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۷۰).

### ب) دعوت به ارزش‌ها

دعوت به ارزش‌ها که در سنت از آن تعبیر به «اطاعت از شوهر در دایره معروف» شده است، عامل دیگری برای حراست و پاسداری تعادل شخصیت زن است که تعادل شخصیت انسان را به ارمغان می‌آورد، چرا که هر انسانی در دامن مادر تربیت می‌شود! پیامبر (ص) در روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده است، هنگام بیعت با زنان فرمود: «لَا تَعْصِينَ بُعُولَتُكُنَّ فِي مَعْرُوفٍ: شوهران خود را در کار نیک نافرمانی نکنید» (مجلسی، ۱۴۲۰، ج ۱۰۰، ص ۲۴۵). در حدیثی دیگر آمده است: «وَمِنْ حَقِّكُمْ عَلَيْهِنَّ... وَ لَا يُعْصِيَنَّكُمْ فِي مَعْرُوفٍ: و از حقوق شما بر ایشان این است که در حوزه معروف از شما پیروی نمایند» (همان)؛

ریاست شوهر بر خانواده، به هیچ وجه استبداد یا تحکم و یا به زعم بعضی، اختیار مالکانه نیست، بلکه به تعبیر یکی از حقوقدانان عرب «ریاست شوهر، یک سلطه حکیمانه اداری است نه استبدادی» (زحیلی، ۱۴۲۰، ص ۸۲). علامه طباطبایی در تفسیر آیه «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْتُمْ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۳۴) می‌فرماید: «قیومیت (ریاست) مرد بر زنش به این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است، بکند و معنای قیومیت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافعش سلب کند. پس زن همچنان استقلال و آزادی خود را دارد و هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و هم می‌تواند از آن دفاع نماید و هم می‌تواند برای رسیدن به این اهدافش به مقدماتی که او را به اهدافش می‌رساند، متوسل شود». (طباطبایی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۵۴۴).

### ج) تأمین نفقه

اگر در کنار رنج و زحمت طاقت‌فرسای بارداری، شیردهی و رسیدگی به کارهای خانه، بار تأمین هزینه زندگی زن نیز بر عهده خود او باشد، یقیناً پیری و افسردگی زودرس به سراغ او آمده و نابهنگام جاذبه‌های طبیعی او را به یغما می‌برد و این خسارتی است که کاهش رغبت و علاقه مرد را نیز در پی دارد، به ویژه اگر فرسودگی ظاهری با افسردگی روحی همراه باشد. بر این اساس، تأمین هزینه زندگی زن نقش واضح و آشکاری در پایداری و استواری زیبایی و شادابی جسمی و روحی زن دارد. طرح تأمین نفقه زن با ماهیت حقوقی گام دیگری در جهت حفظ کرامت و شخصیت زن است و این که موقع دریافت هزینه، احساس ذلت و فرودستی دامنگیر وی نگردد. هویت حقوقی نفقه زن این پیام را در خود نهفته دارد که بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آن ستمگری و جفاکاری است و با رعایت آن حقوق، مرد می‌تواند ادعای عدالت کند. از آنجا که در نظام اسلامی، زن موظف به اطاعت از شوهر در اموری است که مربوط به حقوق همسران می‌شود، باید

توجه داشت که این اطاعت نه به گونه‌ای است که مرد حق دخالت در امور اقتصادی و اموال شخصی زن را داشته باشد، بلکه این حقوق به صورت کامل متعلق به زن است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۳۴۴).

در گذشته‌های نه چندان دور، در حقوق اروپایی پیش از قرن بیستم، مردان حق داشتند که در مسائل مالی و اقتصادی زنان دخالت کنند؛ اما در نظام اسلامی، چنین دخالتی به هیچ وجه پذیرفته نمی‌شود. حتی در مورد انجام کارهای شخصی مانند تهیه غذا، شستن لباس و سایر امور مشابه، زن ملزم به انجام آن‌ها برای شوهر نیست. این به این معنا نیست که این وظایف بر عهده زن نیست، بلکه در صورتی که انجام این امور برای زن سخت یا خارج از توان او باشد، شوهر موظف است که در صورت نیاز، برای او خادم بگیرد و از او حمایت کند. موضوع ریاست شوهر و اطاعت زن از او تنها محدود به مسائلی می‌شود که در روابط اجتماعی و خانوادگی قرار دارند. در این راستا، اگر شوهر مصلحت بداند که زن از منزل خارج نشود یا در برخی امور دخالت نکند، این حق به شوهر تعلق دارد تا چنین تصمیمی را اتخاذ کند. به عنوان نمونه، برخی فقیهان معتقدند که خروج زن از منزل تنها در صورتی که با حقوق شوهر منافات نداشته باشد، مجاز است (خوئی، ۱۳۷۲، ص ۲۸۹).

در مقابل، برخی نویسندگان و متفکران در پی حذف این نوع از سرپرستی در روابط زوجین برآمده‌اند: «کسب اجازه زن از شوهر برای خروج از خانه، جنبه تصریحی و آمرانه نداشته بلکه ارشادی و غیرمستقیم است». (کار، ۱۳۷۷، ص ۲۱). این نویسنده بدون ارایه مستندات شرعی و قانونی، چنین ادعایی را مطرح کرده است. اما حقیقت این است که در متون فقهی و روایات متعدد، لزوم کسب اجازه از شوهر برای خروج زن از منزل به صراحت ذکر شده است. این روایات به طور روشن خروج بدون اجازه شوهر را به عنوان بخشی از حقوق شوهر تلقی کرده و بر آن تأکید دارند.

در تأکید بر این موضوع، برخی از فقیهان مانند علامه نجفی در کتاب «جواهر الکلام» به این نکته اشاره دارند که حتی در صورتی که شوهر از پرداخت نفقه به همسر خود سر باز زند، زن هیچ‌گاه مجاز به خروج از اطاعت شوهر نخواهد بود. در چنین شرایطی، زن می‌تواند شوهر را از طریق مراجع قضائی ملزم به پرداخت نفقه نماید و در صورت عدم انجام تعهدات، حاکم اسلامی می‌تواند شوهر را مجازات کند یا زن درخواست طلاق نماید، اما هیچ‌گاه مجاز نیست که خود را از تمکین خارج نماید. (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۳۱: ص ۵ به بعد).

این تأکیدات بر لزوم تمکین و اطاعت از شوهر در روابط زوجین نشان‌دهنده آن است که تعهدات قراردادی هر یک از طرفین در ازدواج، جنبه اختیار و دلخواه ندارد. به عبارت دیگر، اگر زن حق داشته باشد که از اطاعت شوهر خارج شود، این حق باید به طور متقابل برای مرد نیز وجود داشته باشد که در صورت امتناع از انجام وظایفش، مانند پرداخت نفقه، بتواند از تعهدات خود خارج شود. چنین تفسیری از حقوق و تعهدات ازدواج، منجر به عدم توازن و ایجاد ظلم‌های فراوانی در حق زنان خواهد شد. بنابراین، از دیدگاه فقهی، زن موظف است که در حقوق خانواده مطرح شده است، از شوهر خود اطاعت کند و این اطاعت محدود به حقوق مربوط به امور خانواده و مصلحت‌های اجتماعی است. این اصول، در تعالیم اسلامی، نقش مهمی در تأمین حقوق متقابل زوجین و حفظ امنیت و آرامش خانواده دارند.

### ۲.۳. عدالت

در بحث قیومیت مرد بر زن، «عدالت» به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های قیومیت مطلوب تعریف می‌شود. این مفهوم به معنای رعایت حقوق و وظایف هر دو طرف در چارچوب اصول اسلامی است. همانطور که در قسمت واژه‌شناسی

گفته شد، واژه «قوام» به معنای کسی است که به کاری با جدیت می‌پردازد و به نگهداری و حفظ آن اهتمام می‌ورزد. قرآن کریم قیومیت را تنها در دایره «عدالت» و «رضایت خداوند» مجاز می‌داند. این موضوع در آیات مختلف قرآن تأکید شده است:

- «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَقْسِطُوا فَوَاحِدَةً» (نساء، ۳)؛

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء، ۱۳۵).

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ» (مائدة، ۸).

این آیات نشان می‌دهند که قیومیت مرد فقط در صورتی مجاز است که بر اساس عدالت و رضایت خداوند عمل کند. این چارچوب قرآنی هیچ زمینه‌ای برای زورگویی یا استبداد در قیومیت باقی نمی‌گذارد.

### ۳.۳. رعایت اصل مودت و رحمت

در نظام خانواده اسلامی، علاوه بر عدالت، اصل مودت و رحمت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اصل، مبنای سوم جهت‌دهنده رفتار مرد با زن است و در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (سوره روم: ۲۱).

امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «لَا تُمْلِكُ الْمَرْأَةُ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا، فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمُ لِخَالِهَا وَأَرْحَى لِبَالِهَا وَأَذْوَمُ لِحَمَالِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (کلینی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۵۱۰، حدیث ۱۰۲)؛  
وقتی از پیامبر (ص) در باره برتری مردان بر زنان پرسیده شد، فرمود:  
«كَفْضِلِ الْمَاءِ عَلَى الْأَرْضِ، فَبِالْمَاءِ تَحْيَى الْأَرْضُ وَبِالرِّجَالِ تَحْيَى النِّسَاءُ» ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۴۸).

مسئولیت سنگین قوامیت اگر به صورت درست انجام پذیرد، سعادت مرد را همراه می‌آورد و گرنه مایه خسران او به حساب می‌آید. امام صادق (ع) می‌فرماید: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ الْقَيِّمَ عَلَى عِيَالِهِ» (همان). طبق روایتی پیامبر (ص) فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ يُضَيِّعُ مَنْ يَعُولُ» (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۲۵۱).

### ۴.۳. رعایت اصل معروف

شاخصه دیگر برای قوامیت مطلوب مرد، «رعایت اصل معروف» است. این مفهوم در قرآن کریم هجده بار به‌عنوان مبنای رفتار مرد با زن مطرح شده است، به‌ویژه در آیه‌ای که می‌فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (سوره نساء: ۱۹)، که به معنی رفتار شایسته و نیکو با زنان است. در این زمینه، مفسران بزرگی چون مرحوم طبرسی در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند:

«مقصود از معروف، همزیستی مطابق فرمان خداوند است که شامل ادای حقوق زن می‌شود، از جمله حقوق جنسی، پرداخت نفقه، و رفتار نیکو و سخن زیبا. معروف بدین معناست که آزار جسمی و گفتاری به زن روا نباشد، بلکه باید خوش‌زبان و گشاده‌رو باشد» (طبرسی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۴).

در روایات نیز به اهمیت رعایت معروف در رفتار با زن تأکید شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«هرگاه مردی بخواهد با زنی ازدواج کند، باید بگوید: می‌پذیرم بر اساس پیمانی که خدا گرفته است، یعنی زن را به خوبی نگه‌دارم یا به‌درستی رها کنم» (کلینی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۵۰۲).

در تفسیر آیه «وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُم إِلَىٰ بَعْضٍ وَ أَخَذَ مِنْكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء، ۲۱)، مفسران شیعه و سنی بر این نکته تأکید دارند که «پیمان استوار» همان «فَأَمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ» است که به معنای نگهداری زن به‌درستی یا رها کردن او به‌حسن خلق است. (مطهری، ۱۳۹۹، ص ۲۸۱).

تعریف امام حسین (ع) از معروف به‌صورت تمثیلی، یکی از زیباترین تعاریف در این زمینه است: «اگر معروف را به‌صورت انسانی مجسم کنید، او را با نیکویی و زیبایی خواهید دید که تماشاگران را به مسرت و شادی وا می‌دارد» (مجلسی، ۱۴۲۰، ج ۷۵: ۱۲۷).

بنابراین، معاشرت بر اساس معروف، به‌گونه‌ای است که نه تنها از نظر خردمندان عاقلانه و پسندیده است، بلکه از دید خود زن نیز به‌عنوان رفتاری زیبا و مطلوب ارزیابی می‌شود. این امر نماد قوامیت مرد در خانواده است. رعایت معروف در دو حوزه مهم باید مورد توجه قرار گیرد: ۱. در زمینه دین و ۲. در خصوص وظایف ویژه زنان. در این راستا، برخی ویژگی‌های خاص زنان همچون علاقه به خودآرایی، مهرورزی به فرزند، و هیجانات ناشی از حساسیت و زودرنجی از نکات قابل توجه است. مرد باید در این زمینه‌ها پاسدار حریم خانواده باشد و همسرش را به تعادل دعوت کند. قرآن کریم در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْأَجْرَارُ» (سوره تحریم: ۶). امام علی (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «خود و خانواده‌تان را با نیکی آشنا کنید و بر اساس آن تربیت کنید»، (سیوطی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۲۲۵). شایان ذکر است که مسئولیت نظارت و نگهداری از حریم خانواده تنها به عهده مرد نیست، بلکه زن نیز حق نگهداری از خانواده را دارد، چه در خصوص شوهر و چه در مورد سایر اعضای خانواده. قرآن کریم در آیه «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، ۷۱) نشان می‌دهد که مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر در خانواده، وظیفه‌ای مشترک است که هر دو طرف، مرد و زن، باید به‌طور یکسان به آن توجه داشته باشند.

در نهایت، رعایت اصل معروف در زندگی خانوادگی، نه تنها به عنوان یک اصول اخلاقی و دینی شناخته می‌شود، بلکه به عنوان یک معیار اساسی برای قوامیت مرد در خانواده و حفظ سلامت روابط زوجین و تربیت صحیح نسل آینده مورد تأکید قرار گرفته است.

در بررسی مفهوم رعایت «اصل معروف» در روابط زناشویی، به‌ویژه در قرآن و روایات، اهمیت ویژه‌ای برای تعاملات اخلاقی و دینی میان زن و مرد قائل شده است. یکی از اصول بنیادی در این زمینه، حق زن بر جلوگیری از انحراف شوهر و کمک به اصلاح او در امور اخلاقی و دینی است. در این خصوص، پیامبر اکرم (ص) در یکی از روایات خود می‌فرماید: «زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تَعِينُهُ عَلَىٰ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸). منظور، زن شایسته‌ای است که هم در مسائل دنیوی و هم در مسائل آخرتی به شوهر خود کمک می‌کند. این روایت نشان می‌دهد که رابطه زناشویی، فراتر از یک پیوند جسمی، دارای ابعاد معنوی است که در آن زن و مرد باید به یکدیگر در مسیر رشد اخلاقی و دینی یاری رسانند.

در روایت دیگری از پیامبر (ص) آمده است که «وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِ زَوْجِهَا وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ» (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۳۱۳). این حدیث به‌صراحت بیان می‌کند که زن مسئول نگهداری از اهل خانه شوهر خود است و در این زمینه باید پاسخگوی اقدامات خود باشد. بنابراین، این روایت به‌وضوح نقش زن را در حفاظت از خانواده و مراقبت از

مسائل اخلاقی و دینی آنان برجسته می‌کند.

از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین ابعاد رعایت «اصل معروف» در روابط زناشویی، مسئله استیفای حقوق همسر است که در قالب عقد ازدواج مشروعیت پیدا می‌کند. در قرآن کریم، در آیه‌ای که به بررسی نقش قوامیت مرد در خانواده پرداخته شده، آمده است:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» (نساء، ۳۴)؛

این آیه به روشنی بیان می‌کند که مردان نسبت به زنان مسئولیت دارند و زنان نیز باید در چارچوب این مسئولیت‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های اطاعت از شوهر و نگهداری از اسرار زندگی زناشویی، نقش خود را ایفا کنند.

در این آیه، واژه «قانتات» که به‌طور خاص به اطاعت از خداوند و شوهر اشاره دارد، به معنای زنانی است که در برابر خدا و شوهر خود وظیفه‌شناس هستند. همچنین، عبارت «حافظات للغیب» به این معناست که زن باید از اسرار زندگی مشترک محافظت کند و در این زمینه باید بر اساس اصول اخلاقی و دینی عمل نماید (نک: طباطبایی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۵۴۴).

برای درک بهتر حدود این حقوق، باید به مفهوم «نشوز» توجه کرد. کلمه نشوز به معنای عصیان و استکبار از اطاعت است، و مراد از خوف نشوز این است که علائم آن به تدریج پیدا شود، و معلوم گردد که خانم می‌خواهد ناسازگاری کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۷۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۵۴۵).

در قرآن کریم، آیه‌ای به‌وضوح بیان می‌کند که اگر زن از شوهر خود نشوز کند، باید توسط او نصیحت شده و در صورت عدم اصلاح، اقدامات بعدی انجام شود: «فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ» (سوره نساء: ۳۴). در این آیه، واژه «فَعِظُوهُنَّ» به معنای نصیحت و راهنمایی است و «اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» به معنای پرهیز از معاشرت جسمی به‌منظور ایجاد اصلاح است.

در توضیح این آیه، مفسران مختلف به تحلیل مفهوم نشوز پرداخته‌اند. برخی از آنان مانند فخر رازی معتقدند که نشوز در برابر شوهر به معنای عصیان و مخالفت عمدی از سوی زن است که نشان‌دهنده برتری طلبی است. (فخر رازی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۹۰).

این دیدگاه در بسیاری از تفاسیر به‌ویژه در تفاسیر اهل سنت رایج است که به‌طور خاص از نظر فقهی به‌گونه‌ای به نشوز نگاه می‌کنند که مرد را در موقعیت برتری نسبت به زن قرار می‌دهد.

در مقابل، برخی از مفسران و فقها که دیدگاه‌های معتدل‌تری دارند، معتقدند که نشوز می‌تواند به‌صورت متقابل از هر دو طرف یعنی هم از طرف زن و هم از طرف مرد به‌وجود آید. برای مثال، ابن کثیر و قاسمی، در توضیح آیه «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا» (سوره نساء، ۱۲۸) بیان می‌کنند که نشوز مرد شامل رفتارهایی مانند اعراض، نگاه خشمگینانه، یا تضییع حقوق زن از جمله حق هم‌بستری و نفقه است. (ابن کثیر، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۰۳؛ قاسمی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۵۰۵).

ابن اثیر می‌نویسد: «نُشُوزُ الزَّوْجَةِ عَصِيَانُهَا لِلرَّجُلِ وَتَمَرُّدُهَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَنُشُوزُ الرَّجُلِ ظُلْمُهُ لِلزَّوْجَةِ وَإِصْالُ الصَّرَرِ إِلَيْهَا» (ابن کثیر، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۷۵). بر اساس این دیدگاه، نشوز زن متناسب با حقوقی که برای مرد در نظر گرفته شده، دارای مصادیق گوناگونی است. برای نمونه، برخی فقیهان معتقدند «حبس زن در خانه یکی از حقوق مرد است؛

بنابراین، اگر مردی با علم به اینکه زن دارای شغل اداری است، با او ازدواج کند و سپس با ادامه کار او مخالفت نماید، بر زن واجب است که از او اطاعت کند وگرنه ناشزه محسوب می‌شود». (ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۵: ۵۶).

ابن تیمیه نیز تصریح کرده است: «خدمت شوهر بر زن واجب است»، (زیدان، ۱۴۱۵، ج ۷: ۱۶۵). همچنین، در فقه حنبلی و شافعی، مرد این حق را دارد که همسرش را از دیدار پدر و مادرش یا حتی عیادت و شرکت در مراسم تدفین آنان منع کند. (همان، ج ۷: ۳۵). از سوی دیگر، صاحب کتاب «الحدائق الناضرة» به روایتی استناد می‌کند که در آن زنی از پیامبر اکرم (ص) می‌پرسد:

«هَلْ لِي حَقٌّ مِثْلَ حَقِّ الرَّجُلِ عَلَى زَوْجَتِهِ؟» و پیامبر (ص) پاسخ می‌دهند: «وَلَا مِنْ كُلِّ مَائَةِ وَاحِدَةٍ» (بحرانی، ۱۴۰۹، ج ۲۳: ۵ به بعد). این روایت نشان‌دهنده دیدگاهی است که نابرابری حقوقی میان زن و مرد را تأیید می‌کند.

در نقطه‌ی مقابل، گروهی از فقها و اندیشمندان اسلامی به برابری حقوق زن و مرد معتقدند و نشوز را به معنای عدم رعایت حقوق متقابل می‌دانند. محمد بن فهد حلی تصریح می‌کند: «النُّشُوزُ هُوَ تَمَرُّدُ أَحَدِ الزَّوْجَيْنِ عَلَى الْآخَرِ وَتَقْصِيرُهُ فِي أَدَاءِ حُقُوقِهِ» (حلی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۴۱۹).

محقق حلی نیز در تأیید این دیدگاه می‌نویسد: «النُّشُوزُ فِي اللَّغَةِ بِمَعْنَى الْإِزْتِفَاعِ، وَفِي الْإِصْطِلَاحِ خُرُوجُ أَحَدِ الزَّوْجَيْنِ عَنْ طَاعَةِ الْآخَرِ، فَقَدْ يَكُونُ مِنَ الرَّجُلِ، وَقَدْ يَكُونُ مِنَ الْمَرْأَةِ»، (بحرانی، ۱۴۰۹، ج ۲۳: ۱۴ به بعد). همچنین، صاحب کتاب «جواهر الکلام» بیان می‌کند که «ظاهراً هرگاه زن یا مرد از حقوق واجب طرف مقابل چشم‌پوشی کند و آن را تضییع نماید، نشوز تحقق می‌یابد». (همان).

این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که در حقوق خانواده، هر دو طرف باید به حقوق یکدیگر احترام گذاشته و در صورت بروز اختلاف، از روش‌های اصلاحی برای حل مشکلات استفاده کنند.

در نهایت، رعایت «اصل معروف» در روابط زناشویی، نه تنها بر پایه احترام و وفاداری به حقوق یکدیگر استوار است، بلکه به‌طور ویژه بر اساس آموزه‌های دینی و اخلاقی در قرآن و روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) مورد تأکید قرار گرفته است. این آموزه‌ها به‌وضوح نشان می‌دهند که یک ازدواج موفق و پایدار، در گرو رعایت حقوق متقابل و تلاش هر دو طرف برای حفظ اخلاق و دین در خانواده است.

### ۳.۵. حاکمیت اخلاق بر قوامیت مرد

یکی از حقایقی که در روابط همسران مورد اهتمام قرآن است و همواره عنصری کارآمد برای سعادت و سلامت روابط همسران به شمار می‌رود، این است که بنیاد خانواده بر پایه دوستی و محبت و عشق‌ورزی استوار است و هرگز تنها تکیه بر روابط حقوقی نمی‌تواند سعادت همسران را بر آن پایه محفوظ دارد. بلکه اهتمام قرآن بر این است که در کنار مسئولیت اساسی ریاست مرد و مرئوسیت زن، همواره اصول اخلاقی، صحنه روابط همسران را رضایت‌بخش و کریمانه نگه دارد، به‌گونه‌ای که انس و الفت در همه روابط متقابل، از اتصال و جریان همیشگی برخوردار باشد. جامع‌نگری در آئینه وحی، برای پژوهشگران این عرصه، فضایی سراسر اخلاقی را متجلی می‌سازد. در آن فضا همواره بر رعایت اصول اخلاقی و احترام متقابل تأکید شده است و حتی فراتر از آیاتی که روابط اجتماعی افراد جامعه - از جمله همسران - را به رعایت موازین اخلاقی سوق داده است، با توجه به پیوند عمیق و کارساز همسران، بایسته‌های اخلاقی؛ همچون عفو و گذشت، صلح و سازش، مودت و رحمت، فضل و فتوت در باب خاص روابط همسران آشکار و ملموس است.

آری همان گونه که پروردگار متعال، افراد جامعه را به رعایت عدل و داد فرا خوانده است، به نیکوکاری نیز اصالت داده و فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ، (نحل، ۹۰) و همان گونه که عدالت را به تقوا نزدیک تر شمرده است (مائده، ۸)، عفو و گذشت را نیز به تقوا نزدیک تر دانسته است و فرموده است: «وَإِنَّ عَفْوَكُمْ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى، (بقره، ۲۳۷) در روابط همسران، حاکمیت اخلاق به معنای این است که هر دو زوج باید با رعایت اصول اخلاقی، به ویژه در مواجهه با چالش ها و اختلافات، به صلح و سازش برسند. این نه تنها به استحکام روابط خانوادگی کمک می کند، بلکه به تعالی اخلاقی هر دو زوج نیز می انجامد. خداوند در آیه «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء، ۱۲۸) بر لزوم صلح و سازش در روابط خانوادگی تأکید می کند.

نتیجه آن که با توجه به اهمیت حاکمیت اخلاق در روابط همسران، می توان گفت که قوامیت مرد بر زن باید با رعایت اصول اخلاقی همراه باشد. این نه تنها به استحکام روابط خانوادگی کمک می کند، بلکه به تعالی اخلاقی هر دو زوج نیز می انجامد. از این رو، حاکمیت اخلاق بر قوامیت مرد از مهم ترین شاخصه های قوامیت مطلوب است.

#### ۴. نتیجه گیری

در جمع بندی پژوهش باید گفت ریاست مرد بر خانواده، تعهد و مدیریت است؛ وظیفه ای کاملاً عادلانه و منصفانه و هرگز به معنای سلطه و مردسالاری نیست. بلکه قوامیت مرد بر همسر خود به معنای نوعی نظارت بر امور زن است که مدیریت و ریاست نیز از لوازم این نوع نظارت و مراقبت محسوب می گردد. این نوع وظیفه، ذیل لوای فرهنگ اخلاق محور قرآن، نه تنها به معنای سلطه طلبی و زورگویی نخواهد بود، بلکه جریان روابط محبت آمیز همسران را به سوی نظم و آرامش سوق می دهد. زیرا در سایه آموزه های اخلاقی؛ همچون معاشرت به معروف، صلح و سازش، عفو و گذشت و... به تعالی زندگی و کمال انسانی زوجین کمک می کند.

شاخصه های قیومیت مطلوب از این قرار است:

۱. «رعایت حدود قیومیت و پرهیز از استبداد»: قوامیت مرد بر زن باید در چارچوب عدالت و حقوق متقابل زوجین باشد. مرد باید از حقوق زن محافظت کند و از ظلم و استبداد پرهیز نماید؛
۲. «عدالت» عدالت در قوامیت به معنای رعایت حقوق و وظایف هر یک از زوجین است. مرد باید به تأمین نیازهای مالی و غیرمالی همسر خود بپردازد و از حریم و حرمت خانواده محافظت کند.
۳. «رعایت اصل مودت و رحمت»: مودت و رحمت دو مفهوم مهم در روابط خانوادگی هستند که به استحکام روابط زوجین کمک می کنند. مرد باید با محبت و دلسوزی به همسر خود رفتار کند.
۴. «رعایت اصل معروف»: معروف به معنای رفتار شایسته و نیکو است که در روابط خانوادگی باید رعایت شود. زن و مرد باید حقوق یکدیگر را رعایت کنند و از انجام وظایف شرعی خودداری نکنند.
۵. «حاکمیت اخلاق بر قوامیت»: قوامیت مرد بر زن باید با رعایت اصول اخلاقی همراه باشد. این نه تنها به استحکام روابط خانوادگی کمک می کند، بلکه به تعالی اخلاقی هر دو زوج نیز می انجامد.

#### ۵. منابع

- قرآن کریم

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲. ابن اثیر، مجدالدین ابوالسعادات المبارک بن محمد، (۱۳۹۹ق)، *النهاية فی غریب الحديث و الاثر*، بیروت، المكتبة العلمیة.
۳. ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۱۰ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی‌تا)، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۴۰۹ق)، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، بیروت، دارالکتبی.
۶. بخاری، محمد، (۱۴۱۰ق)، *صحیح بخاری*، بیروت، بلاغ مبین.
۷. بلاغی نجفی، محمدجواد، (بی‌تا)، *آلاء الرحمن*، قم، مکتبه الوجدانی.
۸. حر عاملی، محمدحسن، (۱۳۷۲ش)، *وسائل الشیعه*، قم، اسلامیه.
۹. حلّی، جمال الدین احمد، (۱۴۰۷ق)، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. حلّی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، *شرايع الاسلام*، قم، اسماعیلیان.
۱۱. خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۹ش)، *تحریر الوسیله*، تهران، نشر آثار امام.
۱۲. خویی، سیدابوالقاسم، (۱۳۷۲ش)، *منهاج الصالحین*، قم، مدینه.
۱۳. راغب اصفهانی، محمدحسین، (۱۳۶۲ش)، *المفردات فی الالفاظ القرآن*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۱۴. زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالمکتبه الحیاه.
۱۵. زحیلی، وهبة، (۱۴۲۰ق)، *المسلمة فی العالم المعاصر*، دمشق، دارالفکر.
۱۶. زیدان، عبدالکریم، (۱۴۱۵ق)، *المفصل فی احکام المرأة و البیت المسلم فی الشریعة الاسلامیة*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۱۷. سبزواری، محمدباقر، (۱۴۲۳ق)، *کفایة الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۱۴ق)، *الدر المنثور*، بیروت، دارالفکر.
۱۹. شرتونی، سعید، (۱۳۸۲ش)، *اقرب الموارد*، تهران، نون و القلم.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۴ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۲۰ق)، *مجمع البیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۷ش)، *مجمع البحرین*، قم، مکتب النرش الثقافه الاسلامیه.
۲۳. غزالی، محمد، (۱۴۲۰ق)، *فقه السیره*، قاهره: دارالشروق.
۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۳۸۸ش)، *التفسیر الکبیر*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۵. فضل‌الله، محمدحسین، (۱۴۱۱ق)، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالزهراء.
۲۶. فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۳۷۲ش)، *تفسیر صافی*، تهران، اندیشه اسلامی.
۲۷. قاسمی، جمال الدین، (۱۴۱۲ق)، *محاسن التأویل*، بیروت، دارالکتب.
۲۸. کار، مهرانگیز، (۱۳۷۷ش)، *ماهنامه زنان*، شماره ۴۴، تیر.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۴ق)، *فروع الکافی*، بیروت، دارالکتب الإسلامیه.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۲۰ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۹ش)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، انتشارات صدرا.
۳۲. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۱۴ق)، *فقه امام صادق*، قم، دارالهجرة.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۴. نجفی، محمدحسن، (۱۹۸۱م)، *جواهر الکلام*، تصحیح محمد قوچانی، بیروت.